

Abstract

The present article is a comparative study of the principles of civil law with the principles of criminal law in Iran and international law. The method of the present study is comparative analytical and the method of data collection is library. The research findings show that in many principles of civil law and criminal law between Iran there are similarities with international conventions. Many of the principles enshrined in the Constitution of the Islamic Republic of Iran also emphasize the observance of civil rights. According to these findings, it is suggested that those involved in the education system devote part of the education of the first and second secondary school to the education of civil rights and its relationship with criminal law. Citizens' rights are fixed and protected by citizens, and not only are they not created by governments, but they must be respected and protected as "fundamental human rights." Governments must also protect civil rights through criminal law, and criminal law must not be enacted and enforced contrary to civil rights.

Keywords: Citizenship Education, Citizenship Law, Criminal Law, International Conventions, Iran

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۲۵۱۰-۲۵۲۴

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.301284.2208>

بررسی مقایسه‌ای اصول حقوق شهروندی با اصول حقوق کیفری در ایران و قوانین بین‌المللی با تأکید بر تربیت شهروندی

مجتبی رجایی خراسانی^۱

محمد جلالی^۲

صابر نیاورانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

مقاله حاضر بررسی مقایسه‌ای اصول حقوق شهروندی با اصول حقوق کیفری در ایران و قوانین بین‌المللی است. روش تحقیق حاضر، تطبیقی تحلیلی و روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در بسیاری از اصول حقوق شهروندی و اصول حقوق کیفری بین ایران با کنوانسیون‌های بین‌المللی مشابهت وجود دارد. همچنین بخش زیادی از اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رعایت حقوق شهروندی تأکید می‌ورزند. با توجه به این یافته‌ها پیشنهاد می‌گردد دست‌اندرکاران نظام آموزشی بخشی از آموزش‌های دوره متوسطه اول و دوم را به آموزش حقوق شهروندی و رابطه آن با حقوق کیفری اختصاص دهند. حقوق شهروندی در نزد شهروندان، ثابت و محفوظ است و نه تنها آن را دولت‌ها ایجاد نمی‌کنند، بلکه باید آن را به عنوان "حقوق بنیادین بشر" رعایت کرده و از آن حمایت کنند. همچنین دولت‌ها باید از طریق حقوق کیفری حافظ حقوق شهروندی بوده و نباید حقوق کیفری برخلاف حقوق شهروندی به تصویب رسیده و اجرا شوند.

کلید واژگان: تربیت شهروندی، حقوق شهروندی، حقوق کیفری، کنوانسیون‌های بین‌المللی ایران.

^۱ دانشجوی دکترای حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اسلامی، واحد امارات متحده عربی دبی، نویسنده مسئول

Rajaepoor@gmail.com

^۲ استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما، mdjalali@gmail.com

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، استاد مشاور، s-niavarani@srbiau.ac.ir

یکی از دغدغه‌های جهان معاصر، گسترش و بسط حقوق شهروندی است. آشکار است که چشم‌انداز جهانی تصویری روشن و امیدبخش از بسیاری از کشورها نشان نمی‌دهد. برای بسیاری از ملت‌ها تحقق حقوق شهروندی آرزویی دست‌نیافتنی و برای دولت‌های آن‌ها، نشانه‌ای بر عدم شایستگی سیاسی و مدیریتی است. این وضعیت باعث شده است که فقدان تحقق حقوق شهروندی به چالشی همگانی مبدل شود (Mcinerney Lankford, 2009). طبیعی است که شدت این بحران در همه کشورها مانند هم نیست. در برخی جوامع، حقوق شهروندی نادیده گرفته می‌شود، در حالی که دولت‌هایی هم هستند که در حد متوسط و خوب موفق شده‌اند. این حقوق را برای مردم خودبه وجود بیارن. یکی از مناطق جهان که از لحاظ درجه تحقق حقوق شهروندی می‌توان تفاوت زیادی بین کشورها مشاهده کرد، خاورمیانه است. منطقه خاورمیانه با ۱۷ کشور از منظر رعایت حقوق شهروندی از تنوع زیادی برخوردار است، به نحوی که کشورهایی همچون افغانستان، عراق، یمن و سوریه گرفتار جنگ هستند و طبعاً شرایط جنگی، فرصت پایمال کردن حقوق شهروندی را به سادگی و در حد زیاد فراهم می‌سازد. همچنین کشورهایی همچون عربستان، مصر، ترکیه، و ایران هر یک با توجه به ملاحظات ویژه سیاسی خود، از حقوق شهروندی "تعریف و تفسیر خاص" دارند که بعضاً با معیارهای بین‌المللی همخوانی ندارد. این چشم‌انداز با وجود کشورهایی همچون لبنان، قبرس، قطر و عمان چهره متعادل‌تری پیدا می‌کند (Hicks, 2002). حال پرسشی که با آن روبرو هستیم این است که راز و رمز این گونه‌گونی بین کشورهای یک منطقه جغرافیایی چیست. برای پاسخ به این پرسش باید به رابطه مردم و دولت توجه کرد. حقوق شهروندی مبتنی بر تعریف جدیدی از رابطه دولت با مردم است که رد پای آن را بندرت می‌توان در تاریخ گذشته بسیاری از کشورها پیدا کرد. در واقع، با توجه به رخدادهایی که بعد از انقلاب صنعتی - و به‌ویژه در طول قرن بیستم رخ داد می‌توان حقوق شهروندی را یکی از دستاوردهای بی‌شمار تمدن جدید دانست (Elias, 2000). آنچه که تاریخ از رابطه دولت با مردم می‌گوید نشانگر رابطه سلطه‌گر با سلطه‌پذیر بین این دو است. در گذشته دولت‌ها عمدتاً در پی ایجاد امنیت، تشکیل دولت مرکزی مقتدر، وحدت ملی و حفظ مرزهای مختلف جغرافیایی، فرهنگی، و اقتصادی با دیگر کشورها بودند. بر بنیان این اهداف، مردم سایر کشورها، بیگانه خوانده می‌شدند و مردم کشور شهروندانی بودند که باید به قدرت و امنیت احترام می‌گذاشتند. لذا دولت‌ها، قانونگذار و مردم قانون‌پذیر بودند (Olsson & Paik, 2013).

تغییرات دنیای معاصر، این رابطه را حاکم و محکوم را بر هم زد. براساس تعریف جدید، شهروند فقط فردی مسئول در برابر قانون نبوده و حقوقی نیز بر گردن دولت دارد. بدین ترتیب باید گفت که نخستین جوابی که می‌توان برای پرسش فوق‌الاشاره داشت اینکه بسیاری از دولت‌ها در دنیا - از جمله خاورمیانه - شاید هنوز به پذیرش این تغییرات در رابطه دولت با ملت باور ندارند. به همین علت، حقوق شهروندی به حقوقی واقعی که توسط سیاستمداران باید رعایت شود، مبدل نشده است. پاسخ دومی نیز برای سؤال مذکور وجود دارد. این پاسخ براساس این واقعیت شکل گرفته است که بسیاری از دولت‌ها - به صورت واقعی یا به شکل ظاهری - و تحت تأثیر قراردادها و کنوانسیون‌های

بین‌المللی مجبور شده‌اند در قوانین داخلی خود- و به‌ویژه در قانون اساسی- حقوق شهروندی را به رسمیت شناخته و آن را به تصویب برسانند (Clark, 2000). طبعاً این گامی به جلو برای بشریت، به‌خصوص در کشورهای جهان سوم است. با این وجود، عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بعضاً مذهبی می‌توانند در تحقق واقعی حقوق شهروندی خلل ایجاد کنند. شرایط خاورمیانه نشانگر حضور و نقش این عوامل در عدم تحقق حقوق شهروندی به صورت کامل است.

با ترسیم اجمالی این چشم‌انداز اینک می‌توان به دو نکته دیگر اشاره کرد: اولین نکته اینکه دولت‌ها همزمان هم مجری حقوق شهروندی هستند و هم محافظ رعایت اجرای آن (United State, 2015). برای حالت اول گفتیم که اوضاع جهان نشان می‌دهد که بسیاری از دولت‌ها به تعهد خود وفادار نیستند ولی در خصوص حالت دوم، اکثریت دولت‌ها با استفاده از تصویب قوانین قضایی به‌ویژه حقوق کیفری خود را حافظ حقوق شهروندی نشان می‌دهند. در این وضعیت شاهد نوعی تعارض بین حقوق شهروندی و حقوق کیفری هستیم (Cerone, 2006). نکته دوم، حل تعارض بین حقوق شهروندی و حقوق کیفری منوط به تربیت شهروندانی است که بتوانند بین این دو حقوق تعادل برقرار سازند (UNESCO, 2019). با عنایت به آنچه در این مقدمه گفته شد هدف اصلی این پژوهش، بررسی مقایسه‌ای اصول حقوق شهروندی با اصول حقوق کیفری در ایران و قوانین بین‌المللی با تأکید بر تربیت شهروندی است. برای تحقق این هدف باید به اهداف فرعی زیر توجه نمود:

- شناسایی و تبیین و توضیح اصول حقوق شهروندی
- شناسایی و تبیین اصول حقوق کیفری
- شناسایی و تبیین رابطه تربیت شهروندی با اصول حقوق شهروندی و حقوق کیفری
- مقایسه اصول حقوق شهروندی و حقوق کیفری در ایران و قوانین کیفری بین‌المللی با توجه به تربیت شهروندی پیشینه تحقیق

یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع کنونی وجود شهروندان مدرن و تربیت شهروند خوب است. تربیت شهروندی را می‌توان آماده سازی افراد به منظور مشارکت به عنوان یک شهروند فعال و مسئول در یک حکومت دموکراتیک تعریف کرد (فتحی و اجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۸). مطالعات متعدد بر تربیت شهروندی به عنوان یکی از مهمترین رسالت‌های نظام‌های آموزشی مدرن تأکید می‌ورزند.

(Unesco, 2014; Arif, 2018, Isac, 2015 ; Roh, 2004; Arif, 2017)

تربیت شهروندی به افراد دانش، مهارت و فهم ایفای نقش مؤثر در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی اعطاء می‌کند. در دو دهه اخیر، نگاه ویژه تربیت برای شهروندی فعال، این عرصه را دچار تحول عمیق نموده و بازنگری همه جانبه برنامه‌های درسی و عناصر آن را در سطوح مختلف ضروری ساخته است. به بیان دیگر اهداف، برنامه‌ها و فعالیت‌های

نظام آموزش و پرورش در زمینه تربیت شهروندی باید دربرگیرنده مؤلفه‌هایی همچون شناخت حکومت و دولت، حقوق بشر، جریانات سیاسی، و فهم رابطه مردم با منابع قدرت باشد (Yavari, Army, & Ahmadi, 2013). یکی از موضوعات مهم در تربیت شهروندی درک رابطه بین حقوق شهروندی و حقوق کیفری با توجه به نقش دو عامل مهم آزادی و امنیت است. بنیان حقوق شهروندی بر مفهوم آزادی حداکثری برای همه مردم استوار است، در حالی که حفظ امنیت چارچوبه اصلی حقوق کیفری را شکل می‌دهد (Beitz, 2009). در واقع از آنجایی که حقوق شهروندی زیرمجموعه حقوق عمومی است، لذا ارتباط تنگاتنگی با آزادی‌های سیاسی و مدنی افراد جامعه دارد به نحوی که به یکی از معیارهای حکمرانی خوب مبدل شده است. در حالی که یکی از نشانه‌های حکمرانی خوب استفاده از حقوق کیفری به نفع تحقق حقوق شهروندی است، بسیاری از دولت‌ها از آن برای سرکوب حقوق شهروندی سود می‌جویند. در واقع پرسشی که وجود دارد اینکه دولت چگونه بین حفظ حقوق شهروندی و رعایت اصول کیفری تعادل برقرار کند به نحوی که به بهانه حفظ امنیت مردم، به حقوق شهروندی آنان تجاوز نکند. لذا تنظیم و کنترل قدرت دولت و مکلف سازی آن به پاسخ‌گویی به شهروندان مهمترین موضوعی است که باید در روند تربیت شهروندی به آن توجه داشت. ایجاد تعادل بین آزادی و امنیت مهمترین چالش بین حقوق شهروندی و حقوق کیفری است. از دیدگاه رنی (۱۳۷۴) تقابل امنیت و آزادی از دو واقعیت سرچشمه می‌گیرد: نخست آنکه اغلب شهروندان، هم برای آزادی و هم برای امنیت ارزش قائل‌اند و دوم اینکه آزادی و امنیت، پیوسته در تعارض‌اند و دولت هر اقدامی برای پیشبرد یکی از آن‌ها بکند، ممکن است به دیگری آسیب رساند. در یک جامعه‌ی آزادی‌خواه، اغلب شهروندان نه مایل به قربانی کردن امنیت برای دستیابی به آزادی مطلق هستند و نه مایل به دست‌کشیدن از تمامی آزادی برای دستیابی به امنیت کامل (Donelly, 2003).

لذا دولت که می‌تواند مهمترین منبع تأمین امنیت باشد؛ در عین حال ظرفیت تبدیل شدن به بزرگ‌ترین منبع ناامنی را داراست. لذا درحالی‌که دولت نباید در فرآیند توسعه جامعه به صورت منفعل عمل نماید، همزمان مداخله آن در همه امور هم باید محدود گردد. از سوی دیگر تربیت شهروندی مبتنی بر درک این نکته اساسی است که شهروندان آگاه هم به خوبی از حقوق شهروندی خود دفاع می‌کنند و اجازه دخالت حداقلی به دولت در امور می‌دهند (Ferguson, 2009). بدین ترتیب می‌توان دو تعهد سلبی و ایجابی برای دولت در نظر گرفت: تعهد سلبی به معنای عدم اقدام دولت است. به عنوان مثال، دولت از طریق نیروهای همچون ارتش، پلیس، ماموران قضایی یا زندانبانان نباید حقوق شهروندان را نادیده انگارد. در تعهد ایجابی، وظیفه دولت پشتیبانی از حقوق شهروندی همه شهروندان است.

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های تطبیقی کیفی با طرح غیر پیدایشی است. در طرح غیر پیدایشی محقق ابتدا به گردآوری داده‌ها اقدام نموده و پس از آن به تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌پردازد (لینکن و کوبا، ۱۹۸۵). بنابراین داده‌های مورد نیاز به روش اسنادی و با رعایت قاعده‌ی حداکثر تنوع و اصل اشباع شدگی در انتخاب اسناد مرتبط با موضوع پژوهش، گردآوری شدند (استرایوس و کوربین، ۲۰۰۶). همچنین داده‌های گردآوری شده، پس از اجرای قاعده سازواری داده‌های کیفی با استفاده از رویکرد توصیفی تفسیری تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بردارنده نتایجی است که به صورت بخش‌های جداگانه ارائه می‌شوند. در دو مرحله شناسایی و تبیین ابعاد حقوق شهروندی و حقوق کیفری مورد توجه قرار گرفت. سپس نتایج مرتبط با شناسایی و تبیین رابطه تربیت شهروندی با حقوق شهروندی و حقوق کیفری بیان می‌شود. در مرحله پایانی بین حقوق شهروندی و حقوق کیفری در ایران و قوانین کیفری بین‌المللی با توجه به تربیت شهروندی مقایسه به عمل می‌آید.

شناسایی و تبیین اصول حقوق شهروندی

صاحب‌نظران ویژگی‌های متعددی برای یک شهروند مطلوب در نظر گرفته‌اند. برای مثال، ویژگی‌هایی همچون احساس تعهد، برابری، کنجکاوی، ترقی طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت، وطن پرستی، مسئولیت‌پذیری و احترام به اصول اخلاقی.

(Keynan and Lazar, 2017; Sherrod, 2003; Martin, 2008; O'Brien, & Smith, 2011)

مهر محمدی (۱۳۷۷) عمده‌ترین مؤلفه‌های مطرح در حوزه مفهوم شهروندی را شامل سعه صدر، تحمل اندیشه‌های مخالف، قانون‌گرایی، اعتماد به نفس، تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق و واگرا در حل مسایل و توانایی در ابراز اندیشه می‌داند. حقوق شهروندی دامنه وسیعی دارد و شامل حقوق مدنی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و قضایی می‌شود. حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظائف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن بر عهده دولت است (Donnelly, 2003). عمده‌ترین اصول حقوق شهروندی عبارتند از:

اصل اول: آزادی

در نیمه‌ی قرن نوزدهم میلادی، روشنفکران ایده‌ی آزادی را به زندگی سیاسی تسری دادند و خواهان آزادی از هرگونه اعمال قدرت نابجا به‌ویژه از جانب دولت شدند (Bevir, 2011). به هر حال اینک معنای آزادی، مسئله‌ای متناقض

است که ترکیبی از حقوق فردی و طیف وسیعی از مصادیق امنیت اجتماعی را شکل می‌دهد. این ترکیب مدرن باید متضمن همه آزادی‌های افراد باشد؛ اما حقیقتی که وجود دارد این که دولت‌ها همه وجوه زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم را به میزان زیاد نظارت و کنترل می‌کنند. به هر حال امروزه اصل آزادی بیانگر بهره‌مندی از حقوقی است که به نفع دارنده‌ی آن است. یکی از مهمترین ابعاد اصل آزادی، آزادی سیاسی است. مقصود از آزادی سیاسی، ایجاد ساختاری از حقوق قابل‌پیش‌بینی و پایدار و همچنین محدودیت در قدرت دولت است. از مهم‌ترین مصادیق آزادی سیاسی، حق اظهارنظر آزادانه، ارتباط آزادانه با افراد، حق دخل و تصرف در املاک و دارایی‌ها، داشتن گرایش‌های مذهبی آزاد، حق ورود و خروج از کشور، و شرکت در انتخابات است. این آزادی‌ها یکی از اصولیترین وجوه حقوق شهروندی را تشکیل می‌دهند.

اصل دوم: برابری

تاریخ زندگی اجتماعی انسان به‌ی‌ک معنا؛ تاریخ مبارزه با ظلم و نابرابری و تلاش برای کسب موقعیت برابر برای همه انسان‌ها بوده است. به موازات رشد آگاهی در انسان‌ها، آنان هر چه بیشتر به بی‌پایه بودن تمایزها و تبعض‌های ناروا در جامعه پی برده، انگیزه بیشتری در خود برای رهایی از قید و بندهای بی‌دلیل و ذلت‌آور یافته و می‌یابند (Ferguson, 2009). به هر حال اصل برابری عمدتاً از قرن هجدهم به بعد در آثار کسانی همچون ژان‌ژاک روسو و امانوئل کانت مطرح گردید (Shklar, 1978). نخستین باور حاکم بر این آثار در خصوص برابری، به این معناست که همه مردم به سبب برخورداری از گوهر انسانی با یکدیگر برابر و واجد برخی از خصوصیات اساسی مشترک هستند. شناسایی این خصوصیات مشترک، مستلزم آن است که با اشخاص با احترام و به نحو برابر رفتار شود. این اندیشه پایه و اساس «برابری حقوق» را تشکیل می‌دهد. لذا برابری از ملزومات اساسی و ثابت نظام‌های سیاسی دموکراتیک می‌باشد.

اصل سوم: کرامت انسانی

کرامت به معنای حرمت، حیثیت، عزت، شرافت، انسانیت، و شأن و منزلت است. اصطلاح کرامت انسانی بدان معناست که هر انسانی فارغ از مشخصه‌های باطنی یا موقعیت اجتماعی دارای کرامت است. این کرامت حتی با انجام رفتارهای غیرقانونی از بین نرفته و غیرقابل سلب است.

شناسایی و تبیین اصول حقوق کیفری

امروزه دولت‌های اقتدارگرا به بهانه حفظ امنیت ملی به آشکال‌گونگون و با ابزارهای قانونی، قضایی و اجرایی حقوق شهروندی را نادیده می‌انگارند به نحوی که «دولت قانونمدار» به «دولت امنیتی کیفری» مبدل می‌شود. دولت امنیتی، با توسل به وضع قوانین و جرم‌انگاری حداکثری به محدودسازی آزادی‌های مردم مبادرت می‌ورزد (Weinberg, and Flinders, 2018). همچنین دولت‌های امنیت‌گرا به بهانه اولویت امنیت ملی، آزادی‌های عمومی و حقوق شهروندی را نادیده می‌گیرند. با مداخله‌ی افراط‌گونه‌ی این مدل از دولت در حیطه‌ی آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان، شکاف بین نظام سیاسی و مردم افزایش می‌یابد. برای کاهش این فاصله و اولویت بخشی حقوق شهروندی بر حقوق کیفری باید به اصول زیر توجه نمود:

در نظام‌های مدرن قضائی، اصل برائت یکی از بنیادی‌ترین اصول حاکم در دادرسی عادلانه محسوب می‌شود چون از حقوق شهروندان در برابر نهادهای قدرت طلب حمایت می‌کند (جوانمرد، ۱۳۹۳). براساس اصل برائت دستگیری افراد اقدامی غیرقانونی است و باید به صورت محدود اعمال گردد (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲). لذا دستگیری افراد فقط در صورتی ممکن است که دلیل کافی برای انتساب رفتار خلاف به فرد وجود داشته باشد.

اصل دوم: حاکمیت قانون

حاکمیت قانون از مهمترین بنا و اصل در حقوق عمومی است که همه قوا و سازمان‌های عمومی را مکلف می‌کند در تصمیماتی که می‌گیرند و اعمالی که انجام می‌دهند قوانین و مقررات را رعایت نمایند. پیروی دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی از قانون، باعث حمایت فرد در برابر قدرت برتر دولت می‌شود. بدین ترتیب حاکمیت قانون ضمن حمایت از حقوق شهروندی نظام‌های سیاسی خودکامه را مجبور به اقدام در چارچوب قانون می‌نماید، اگرچه در عمل بسیاری از رژیم‌های سیاسی قانون را نیز می‌توانند به نفع خود تفسیر نمایند.

اصل سوم: قانونی بودن جرم و مجازات

تمام قوانین کیفری کشورهای متمدن بر محور اصل قانونی بودن جرم و مجازات استوار است. این اصل، نتیجه قرن‌ها مطالعه و کار اندیشمندان و فلاسفه و سال‌ها مبارزه بشر برای استقرار عدالت و حکومت قانون است. هرگونه تحدیدی در صورتی مجاز و موجه است که برای حفظ آزادی ضروری باشد و شیوه دیگری نتواند این هدف را تأمین نماید (شمعی، ۱۳۹۲). نکته دیگر آنکه مجازات‌ها به آن اندازه عادلانه‌تر خواهند بود که آزادی هر چه بیشتری را برای مردم فراهم کنند. در واقع درج عناوین مجرمانه در مجموعه‌های قوانین جزایی و تعیین مصداق‌ها و میزان مجازات این فرصت را به شهروند می‌دهد که براساس بایدونباید‌های قانونی، رفتار خود را تنظیم نماید. از سوی دیگر دولت‌ها با تعیین دقیق مصداق رفتارهای غیرقانونی دیگر اجازه نخواهند داشت به دلایل مبهم حقوق شهروندان را نادیده انگارند (مارتی، ۱۳۹۳). در موقع هر شهروندی پیشاپیش می‌دانند چه موقعی گناهکار یا بی‌گناه است (بکاریا ۱۳۷۳).

شناسایی و تبیین رابطه تربیت شهروندی با حقوق شهروندی و حقوق کیفری

حقوق شهروندی قبل از آن که توسط افراد مورد حمله قرار گیرد در معرض خطر نامحدود دولت‌ها است. علیرغم این واقعیت نباید فراموش کرد که رژیم‌های سیاسی خود نیز برون داد جامعه هستند. به همین خاطر تحقق حقوق شهروندی، حاکمیت نظام‌های سیاسی مطلوب، تنظیم رابطه سالم بین دولت و مردم و تبدیل قانون به ابزار پشتیبان حقوق شهروندی همگی منوط به وجود یک نظام آموزشی کارا است که بتواند نسلی را تربیت کند که آگاه به مسائل حقوق شهروندی باشد (Martens, & Gai nous, ۲۰۱۲). به همین علت در طی دو دهه اخیر بسیاری از سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان آموزشی دریافته‌اند که تربیت شهروندی مؤثر پیش‌نیاز اعتلای حقوق شهروندی و حقوق قضایی است. بر بنیان این

تفکر، نخستین گام شناختن اصول حقوق شهروندی با توجه به چارچوب‌های قضایی و کیفری است. بر این اساس می‌توان از اصول حقوق شهروندی زیر نام برد:

(۱) اصل حق سکوت

اولین اصل حقوق شهروندی در چارچوب موازین قانونی رعایت اصل حق سکوت^۴ است که نظام سیاسی را (در اشکال گوناگون آن همچون قوه قضائیه‌ی از دولت) ملزم به رعایت اصل برائت افراد می‌کند (Gray, 2013). در نظام حقوقی مدرن حق سکوت متهم و حق داشتن وکیل محترم شمرده شده است به نحوی که مقام قضایی (پلیس) مکلف است پس از احضار یا جلب افراد علاوه بر استعلام هویت و تفهیم اتهام، حق سکوت را به آنان اعلام کند.

(۲) اصل حق همراهی وکیل

دسترسی به وکیل یکی از اصول اولیه دادرسی عادلانه است؛ چرا که افراد بدون آگاهی از قواعد و آیین حقوقی نمی‌توانند به نحو شایسته از خود دفاع کنند. این حق خود می‌تواند متضمن حقوق و آزادی‌های فردی باشد. پس وکیل می‌تواند در سه مرحله تحت نظر، تحقیقات مقدماتی و محاکمه، متهم را همراهی کند (ساقیان، ۱۳۹۳).

(۳) اصل حفظ حریم خصوصی

در قانون و عرف جوامع، تعاریف مختلفی از حریم خصوصی وجود دارد. حریم خصوصی بخشی از زندگی هر فرد است که باید از نظارت و دخالت دیگران در امان باشد. این موضوعی است که بشر کاملاً با آن آشنایی دارد و از دیرباز فکر حکومت‌ها را به خود جلب کرده است (Banisar, 2011). طبعاً حفظ حریم خصوصی را می‌شود یکی از مهمترین پایه‌های حقوق شهروندی دانست به این صورت که نیروهای قضایی نمی‌توانند در هر زمان که تمایل داشتند بدون تدارک مجوزهای قانونی وارد محل زندگی یا کار افراد شوند.

(۴) اصل منع شکنجه

شکنجه به هر عمل عمدی که باعث درد یا رنج شدید جسمی یا روحی به فرد شود تا اطلاعات یا اعترافی بر علیه خود یا از شخص ثالث گرفته شود. به‌طور طبیعی شکنجه یکی از غیرانسانی‌ترین اعمالی است که می‌توان بر علیه دیگران به کار برد و حقوق شهروندی وی را کاملاً نادیده انگاشت (Greer, 2015). لذا توسل به شکنجه از جمله مواردی است که اختیار فرد اقرار کننده را زایل و اقرار او را بی‌اثر می‌سازد. بعد از تعیین اصول حقوق شهروندی مرتبط با چارچوب‌های قضایی باید به اصول حقوق کیفری که می‌تواند حمایت کننده یا تهدید کننده حقوق شهروندی

باشد توجه نمود. حقوق کیفری شاخه‌ای از حقوق عمومی است که به بررسی حمایت‌های دولت از حقوق افراد و ارزش‌های جامعه می‌پردازد. اساساً قوانین کیفری آفریننده حقوق برای افراد جامعه نیست؛ بلکه فقط افراد را مجبور به رعایت حقوق و ارزش‌ها می‌کند. به همین علت اصول حقوق کیفری که می‌توانند حافظ حقوق شهروندی باشند عبارتند از:

۱. اصل حق تفهیم موضوع اتهام

در روند قضایی بعد از تحت نظر قرار دادن متهم در مرحله تحت نظر اولین کار تفهیم اتهام به متهم می‌باشد. لذا هر فرد به جرمی متهم شود حق دارد در وقت مقرر و به تفصیل به زبانی که او بفهمد، از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، مطلع گردد (آشوری، ۱۳۷۸). تفهیم موضوع اتهام و دلایل آن تقریباً در همه کشورها مورد پیش‌بینی و تأیید قانونگذاران قرار گرفته و در عرصه بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. اصل معاینه پزشکی متهم

درخواست معاینه پزشکی موجب پیشگیری از اذیت و آزار جسمی و روانی متهم در فرایند تحقیقات قضایی می‌شود. همچنین نیاز به دریافت خدمات بهداشتی و پزشکی یک حق همگانی است و متهم هم به عنوان شهروند باید بتواند از این خدمات استفاده کند. البته نباید فراموش کرد که آثار بعضی از آزارهای جسمی یا روانی فوراً مشخص نمی‌شود و می‌تواند باعث صدمه به فرد شوند بدون اینکه توانایی اثبات برای او وجود داشته باشد.

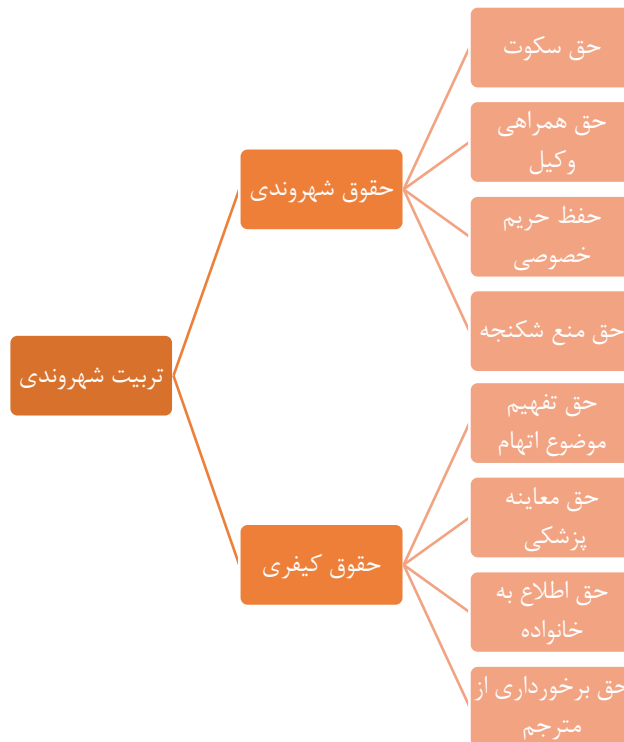
۳. اصل حق اطلاع به خانواده

یکی از مصادیق استانداردهای حقوق متهم، حق اطلاع به خانواده‌ی فرد دستگیر شده است. در واقع بازداشت افراد علاوه بر این که موجب سلب آزادی آنان می‌شود، زندگی اعضای خانواده وی را نیز تحت تأثیر قرار داده و صدمه‌ها و آسیب‌های شدید روحی و روانی به آنان می‌زند (فرجی‌ها و مقدسی، ۱۳۹۰). زمانی که خانواده متهم از جریان دستگیری آن اطلاع یابند می‌توانند مقدمات دفاع و تسهیلات لازم (از قبیل وکیل و...) را برای او فراهم سازند تا حقوق شهروندی او حفظ گردد (بیراوند و دیگران، ۱۳۸۹).

۴. حق برخورداری از مترجم

هر متهم به جرم کیفری اگر زبان پلیس یا مأمورین دادگاه را نفهمد، حق دارد از مساعدت مترجم واجد صلاحیت و رایگان برخوردار باشد. او همچنین حق دارد درخواست کند تا اسناد و مدارک بی‌گناهی وی ترجمه شوند. در واقع این اصل بر تساوی امکانات و حق دادرسی عادلانه تأکید می‌ورزد. شکل ۱ نشان می‌دهد که بنیان تربیت شهروندی بر

درک روابط اصول حقوق شهروندی با اصول حقوق کیفری استوار است. در بخش بعد با توجه به روابط بین اصول مذکور تلاش می‌گردد حقوق شهروندی و حقوق کیفری در ایران و قوانین کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد.



شکل ۱. بنیان تربیت شهروندی با توجه به اصول حقوق شهروندی و اصول کیفری

مقایسه حقوق شهروندی و حقوق کیفری در ایران و قوانین کیفری بین‌المللی

اهداف تربیت شهروندی را می‌توان محدود به اهداف مرتبط با ارزش‌ها و منش‌ها، دانش و فهم و مهارت‌ها و نگرش‌ها تقسیم کرد. در این بین هدف‌های مبتنی بر فهم و مهارت در پی مقایسه وضعیت جامعه فرد با دیگر جوامع بشری است. این نگرش تطبیقی باعث می‌شود برای نسل جوان فهم عمیق‌تری از حقوق شهروندی ایجاد شود. نخستین نکته‌ای که باید بدان اشاره کرد توجه به نقش و جایگاه ایده "حقوق بشر" است که هسته اصلی کنوانسیون‌ها و قراردادهای بین‌المللی را در خصوص مواردی همچون حقوق شهروندی تشکیل می‌دهد. حقوق بشر مجموعه‌ای از موازین اصولی درباره تعهداتی است که تمامی افراد را بر مبنای حیثیت و کرامت انسانی در بر می‌گیرد. این موازین به طور گسترده‌ای به عنوان هنجارهای بین‌المللی پذیرفته شده‌اند (مصفا و ابراهیمی ۱۳۸۷).

ماهیت حقوق بشر مستلزم این مفهوم است که هر فرد به سبب انسان بودنش دارای حق و حقوقی است، لذا یک دولت نمی‌تواند توسط به مقررات داخلی خود را سرپوشی برای نقض حقوق بین‌الملل قرار دهد. در رابطه با حقوق بشر و حقوق شهروندی اگرچه به نظر می‌رسد دامنه شمول حقوق بشر وسیع‌تر از حقوق شهروندی است ولی با تقسیم حقوق

بین‌المللی بشر به دو دسته خرد و کلان می‌توان گفت حقوق کلان یا «حقوق بنیادین بشر»^۵ جنبه جهانی داشته و براساس اصول اخلاقی رعایت آن برای همه ملت‌ها و دولت‌ها الزامی است. با عنایت به این نکته باید گفت حقوق شهروندی بخش جدایی‌ناپذیر از حقوق بشر است (ابراهیمی ۱۳۸۷) و رفتار دولت‌ها نمی‌تواند مغایر با استانداردهای جهانی حقوق بشر باشد (نورزوی ۱۳۸۷). نکته دوم معطوف به اصل برائت در قوانین بین‌المللی است. اصل برائت برای نخستین مرتبه در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه حقوق بشر فرانسه آورده شده است. براساس ماده ۹ اعلامیه مذکور هر کس بیگناه محسوب می‌شود مگر کسی که تقصیر او به ثبوت برسد. هدف این اصل حمایت از حقوق شهروندان می‌باشد (امیدی، ۱۳۸۲).

سومین نکته در خصوص بررسی حقوق شهروندی در اسناد بین‌المللی اصل منع شکنجه است. مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد شکنجه "کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه" و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده مصوب سال ۱۹۸۴ است. طبق بند ۱ ماده ۱ این کنوانسیون در صورتی اعمال رنج‌آور بدنی یا روحی شکنجه محسوب می‌شوند که از جانب مقامات صلاحیت‌دار دولتی یا با تحریک یا رضایت و سکوت آن‌ها اعمال شده باشد (موسوی، ۱۳۸۲؛ رحمتی، ۱۳۸۴).

نکته چهارم در خصوص حق اطلاع خانواده از وضعیت متهم است. در راستای حمایت از نهاد خانواده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۲۳، نهاد خانواده را عنصر اساسی جامعه دانسته و آن را سزاوار حمایت می‌داند. همچنین براساس بند ۱ ماده ۱۶ «مجموعه اصول به منظور حمایت همه افراد تحت بازداشت یا زندان» اشاره کرده است فردی که زندانی می‌شود این حق را دارد که بلافاصله اعضای خانواده‌ی فرد منتخب خود مطلع سازد (شمسایی و رضوی ۱۳۹۲). در مورد حق ملاقات با خانواده نیز ماده ۹۲ سند بین‌المللی «قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان» این حق را با رعایت مقررات برای متهم در نظر گرفته است.

در خصوص اصل اطلاع رسانی به خانواده متهم، در بند ۵ «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» و ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قانونگذار اطلاع رسانی به خانواده متهم را به رسمیت شناخته است مگر آن‌که بنابر ضرورت، ضابطان قضایی تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. به نظر می‌رسد اجرای مواد قانونی مذکور نیازمند تعیین سازوکارهای دقیق‌تری است. حق سکوت نیز در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مورد تصریح قرار گرفته است. به موجب ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷ چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۱۹۷ با این جمله که متهم می‌تواند سکوت اختیار کند، حق سکوت را به صورت کامل به رسمیت شناخته است. به موجب اصل سی و هشتم قانون اساسی هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار

با کسب اطلاع ممنوع قلمداد شده و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲). در قوانین ایران اصل سی و پنجم قانون اساسی حق برخورداری از وکیل را مورد توجه قرار داده است. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای اولین بار حضور وکیل را نه تنها نزد بازپرس بلکه هنگام تحت نظر قرارگرفتن نیز پذیرفته است (شمسایی و رضوی، ۱۳۹۲). ماده ۴۸ این قانون بیان کرده است که شخص متهم از همان شروع بازداشت می‌تواند تقاضای وکیل کند (ساقیان، ۱۳۹۳؛ صابر و دیگران، ۱۳۹۰).

در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان گفت که در بسیاری از اصول حقوق شهروندی و اصول حقوق کیفری بین ایران با کنوانسیون‌های بین‌المللی مشابهت وجود دارد. همچنین می‌توان گفت که بخش زیادی از اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رعایت حقوق شهروندی تأکید می‌ورزد. از سوی دیگر می‌توان ابهام در بعضی از اصول حقوق کیفری یا فقدان ضمانت اجرای دقیق این اصول را می‌توان یکی از تفاوت‌های عمده نظام حقوقی ایران با کنوانسیون‌های بین‌المللی دانست.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهشگران حاضر مقایسه و تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌های اصول حقوق شهروندی با اصول حقوق کیفری در ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی با تأکید بر نقش آن‌ها در تربیت شهروندی بود. پیش‌فرض ذهنی اصلی محققان حاضر این بود که لازمه تحقق حقوق شهروندی وجود یک نظام آموزشی قوی و مستقل است که بتواند نسل جوان آگاه نسبت به حقوق و مسئولیت‌های خویش را پرورش دهد. بدین ترتیب در این مقاله تلاش شد نشان داده شود که اولاً اصول حقوق شهروندی مهم کدامند؛ ثانیاً اصول حقوق کیفری چگونه با اصول حقوق شهروندی مرتبط هستند و ثالثاً چگونه این دو بنیان‌های اصلی تربیت شهروندی را تشکیل می‌دهند.

یافته‌های تحقیق نشان داد حقوق شهروندی در نزد شهروندان، ثابت و محفوظ است و نه تنها آن را دولت‌ها ایجاد نمی‌کنند، بلکه باید آن را به عنوان "حقوق بنیادین بشر" رعایت کرده و از آن حمایت کنند. همچنین دولت‌ها باید از طریق حقوق کیفری حافظ حقوق شهروندی بوده و نباید حقوق کیفری برخلاف حقوق شهروندی به تصویب رسیده و اجرا شوند. بنابراین اصول مهم حقوق شهروندی یعنی آزادی، برابری و کرامت انسانی باید در تهیه و تدوین اصول حقوق کیفری مدنظر قانونگذار قرار گیرد.

یافته‌های تحقیق همچنین بر رعایت اصولی همچون حق سکوت، حق همراهی وکیل، حفظ حریم خصوصی و منع شکنجه در روند قضایی تأکید می‌ورزد و نشان می‌دهد که در روند تربیت شهروندی باید کاملاً کودکان و جوانان را از این حقوق غیرقابل خدشه آگاه ساخت. دیگر یافته تحقیق نشان داد که بین محتوی اصول شهروندی و اصول کیفری مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی با نظام قضایی ایران شباهت بسیار وجود دارد، اگرچه نمی‌توان تأثیر عوامل محیطی - اجتماعی را در تصویب قوانین داخلی ایران نفی کرد. پیشنهاد اصلی محققان حاضر تخصیص بخشی از برنامه درسی دوره آموزش رسمی - به‌ویژه دوره متوسطه - به آموزش حقوق شهروندی و تبیین رابطه آن با حقوق اصول کیفری است. همچنین به برنامه‌ریزان درسی پیشنهاد می‌گردد که بر انطباق قوانین ایران با مصوبات کنوانسیون‌های بین‌المللی

در خصوص حقوق شهروندی تأکید ورزند تا دانش‌آموزان به عنوان نسل فردا آگاه باشند که حقوق شهروندی آنان در هر دو سطح ملی و بین‌المللی مورد حمایت می‌باشد.

۱. آشوری، م. ۱۳۷۸. نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مجله آموزش عالی قم.
۲. آشوری، م. سپهری، ر. ۱۳۹۲. "بررسی تطبیقی مرحله تحت‌نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه"، آموزه‌های حقوق کیفری.
۳. امیدی، ج. ۱۳۸۲. دادرسی کیفری و حقوق بشر. مجلس و راهبرد.
۴. کاریا، س. ۱۳۷۳. رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران: نشر میزان
۵. بیراوند، ر. کوشا، ج. هاشمی، ح رنجبر، ب. ۱۳۸۹. وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی. دانش انتظامی.
۶. صابری، م. ۱۳۸۸. معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی. پژوهش‌های حقوق تطبیقی.
۷. فتحی واجارگاه، ک و واحد چوکده، س. (۱۳۸۸). آموزش شهروندی در مدارس. تهران: انتشارات آبیژ
۸. فرجی‌ها، م؛ مقدسی، م. ب. ۱۳۹۰. حق متهم برای مطلع ساختن اعضای خانواده خود نسبت به دستگیری و بازداشت. نشریه کارآگاه.
۹. شمسایی، م؛ رضوی، م. ۱۳۹۲. استانداردهای دادرسی عادلانه در فرایند تحقیقات پلیسی در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق بشر، فصلنامه دانش انتظامی.
۱۰. ساقیان، م. م. ۱۳۹۳. تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. پژوهش حقوق کیفری، ۲، (۶)، ۱۳۶-۱۱۳
۱۱. جوانمرد، ب. ۱۳۹۳. فرآیند دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: نشر جنگل
۱۲. شمعی، م. ۱۳۹۲. درآمدی بر جرم انگاری و جرم زدایی، تهران: نشر جنگل
۱۳. رحمدل، م. ۱۳۸۷. جایگاه حقوق کیفری در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مجله حقوقی دادگستری.
۱۴. موسوی، ی. ۱۳۸۰. تحول حقوق شهروندی به سوی تأمین انتظام شهری، دانش انتظامی.
۱۵. رنی، آ، ۱۳۷۴. حکومت: آشنایی به علم سیاست. برگردان لیلی سازگار، تهران: نشر دانشگاهی
۱۶. آوتویت، و؛ باتامور، ت. ۱۳۹۲. فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشرنی
۱۷. مارتی، م. د. ۱۳۹۳. نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. برگردان، علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان
۱۸. مصفا، ابراهیمی، ن، ۱۳۸۷. جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین الملل، فصلنامه سیاست.
۱۹. ابراهیمی، ش. ۱۳۸۷. پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران
۲۰. مهرمحمدی، م. (۱۳۷۷). آموزش و پرورش و جامعه مدنی. مجله پژوهش‌های تربیتی.
۲۱. نوروزی، م. ۱۳۸۲. تعهدات سلبی دولت‌ها برای حمایت از حقوق بنیادین بشر، مجله حقوق و علوم سیاسی.
۲۲. Arif, B. H. (2017). Citizenship Education at High-Schools in Australia: New South Wales. *International Journal of Social Sciences and Educational Studies*.
۲۳. Arif, B.H. 2018. The Role of Citizenship Education in Developing Democracy in Iraq, *International Journal of Social Sciences & Educational Studies*, 5(2),

۲۴. Banisar, D. 2011. *The Right to Information and Privacy: Balancing Rights and Managing Conflicts*, the International Bank for Reconstruction and Development.
۲۵. Beitz, C. (2009). *The Idea of Human Rights*, New York: Oxford University Press
۲۶. Bevir, M. 2011. *The Long Nineteenth Century in Intellectual History*, *Journal of Victorian Culture*.
۲۷. Cerone, J. (2006), 'Is There a Human Right of Self-Defense?' *Journal of Law, Economics and Policy*.
۲۸. Clark, R. (2000). *How international human rights law affects domestic law in human rights: new perspectives, new realities*. London, Lynnerienner publishers
۲۹. Donnelly, J. (2003) *Universal Human Rights in Theory and Practice*, 2nd edition, Cornell University Press, Ithaca NY
۳۰. Elias, N. 2000. *The Civilizing Process*, Translated by Edmund Jephcott, Oxford: Blackwell
۳۱. Ferguson, N. [2009] *A World without Power*, *Foreign Policy*.
۳۲. Gray, A. 2013. *The Right to Silence: Using American and European Law to Protect a Fundamental Right*, *New Criminal Law Review* 16(4):527-567
۳۳. Greer, S. 2015. *Is the Prohibition against Torture, Cruel, Inhuman and Degrading Treatment Really 'Absolute' in International Human Rights Law?* *Human Rights Law Review*.
۳۴. Hicks, N. (2002). 'Does Islamist Human Rights Activism Offer a Remedy to the Crisis of Human Rights Implementation in the Middle East?' *Human Rights Quarterly*.
۳۵. Kahriz, B. Y. (2018): *Civil Rights in IRI Constitution and international documents*, *Journal of Law and Criminal Law*.
۳۶. Lincoln, Y. & Guba, E. (1985). *Naturalistic Inquiry*, Beverly, Beverly Hills, CA: Sage
۳۷. Strauss, A & Corbin, J. (2006). *Principles of Qualitative Research Method*, Translation by Biouk Mohammadi, Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies, First Edition. (in Persian).